

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين واللعن على أعدائهم أجمعين.

بعد از آن که از منظر فقهی اعتبار مکتوب را بررسی کردیم به این جا رسیدیم که از منظر تطبیقات چه تطبیقاتی در حقوق در بحث کتابت هست، تطبیقات را در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون مدنی ملاحظه کردیم.

امروز تتمه ای در ارتباط با قانون امور حسبی بیان می کنیم.

در مهر و موم و تصفیه ترکه در قانون امور حسبی بحث کرده ایم ولی باید دانست که موضوعاتی مثل وصیت، ولایت، قیمومت و امثال آن هم به کتابت است.

عناوینی مثل «من لاولی له» (بدون سرپرست)، «من لا حضور له» (غایب) و «ما لا صاحب له» (اموال مجهول المالک یا بی مالک) از امور حسبی است. من ولا ولی له یعنی «الذی یحتاج الی الولی ولا ولی له» یعنی صحبت در ارتباط با محجورین است که حجر آن ها گاهی ناشی از صغر و یا جنون و گاهی از سفه است در هر سه صورت اگر محجور ولی خاص نداشته باشد داخل در مباحث حسبی است، ولایت هم یا عام است یا خاص، خاص شامل ولایت قهری و ولایت نصبی می شود. ولی قهری «یطلق علی الاب و الجد للاب و ان علا». ولی نصبی «المنصوب من قبل الاب و الجد للاب للولایه علی المولی علیه من بعدهما» (بعد از مرگ) پس ولایت قهری یا نصبی از طرف ولی قهری ولایت خاص است و رابطه آنها هم طولی است.

در ولایت عام که اثبات سمت ولی مستلزم ولایت نامه و اثبات سمت قیم محتاج قیم نامه است که دلیل سمت این افراد باشد این ها کتبی است.

در بخش دیگری در قانون مدنی راجع به شناسنامه (ماده 992) قانون مدنی می گوید «سجل احوال هر کس به موجب دفتری که براساس این مقررات معین می شود» اصطلاحی داریم تحت عنوان وقایع حقوقی چهارگانه که این چهار مورد و متفرعات آن باید در سند سجل احوال ثبت شود که عبارت اند از ولادت،

ازدواج، طلاق و مرگ. هرچند نکاح و طلاق عمل حقوقی است نه واقعه (عمل حقوقی نیازمند قصد است بر خلاف واقعه) لذا نکاح و طلاق از باب تسامح واقعه نامیده شده است. این که مقنن شناسنامه را سند معتبر دانسته نه از جهت حجت ذاتی مکتوب است بلکه این جا هم به جهت وثوق صدوری و قرائن اطمینان آور است.

و الحمد لله رب العالمین

<http://feqhvaqaza.com>